

چشم‌اندازهای اعتراضات معلمان

در یکی دو هفته‌ی گذشته شاهد تحرکات سراسری معلمان و تجمع‌های اعتراضی آن‌ها هستیم که با توجه به فراخوان‌های صادر شده از سوی شورای مرکزی تشکل‌های صنفی کارگران، در روزهای آینده نیز ادامه خواهد یافت. کافی است اولین خواسته‌ی آن‌ها را، که در بیانیه‌ای که روز اول اردیبهشت منتشر شده بود، مرور کنیم تا زمینه‌های مادی این نارضایتی‌ها را به روشنی درک کنیم: «افزایش حقوق، به بالاتر از خط فقر برای عموم فرهنگیان شاغل و بازنشسته». در جای دیگری از این بیانیه، با اشاره به ادامه‌ی رویکرد دولت دهم توسط دولت جدید و عملی‌نشدن وعده‌های انتخاباتی، گفته شده است که این رویه «امیدها را فرو کاسته و فرهنگیان را که عموماً در زیر خط فقر به سر می‌برند، وادار به اعتراضات گسترده در اسفند ۹۳ و فروردین ۹۴ در سراسر کشور نمود». بر این مبنا باید گفت که ناامید شدن معلمان از دولت با برگزاری اعتراضات مختلف آنان مقارن شده است، که به معنی اقدام مستقیم معلمان برای تحقیق خواسته‌هایشان و ایجاد امید برای تغییر وضعیت‌شان است.

در این میان، یکی از جنبه‌های نارضایتی معلمان، اعتراض به اعمال تبعیض بین معلمان و کارکنان دیگر وزارتخانه‌های دولتی است. اما نکته‌ای که باید اینجا در نظر گرفت این است که در واقع با پیش رفت گسترده‌ی خصوصی‌سازی آموزش، شاهد کالایی‌شدن هرچه بیشتر خدمات آموزشی و در نتیجه پرولتریزه‌شدن کارکنان این بخش‌ها هستیم. امری که حتی گریبان‌گیر آن دسته از معلمان می‌شود که هنوز در نهادهای دولتی وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار هستند، زیرا که در اینجا نیز با سلطه‌ی منطق کالایی در رابطه با این خدمات روبرو هستیم. بنابراین بایستی تبعیض میان حقوق و مزایای شاغلان در حوزه‌ی خدمات آموزشی با «کارمندان دولتی» را در بستر کالایی‌سازی این خدمات از طریق خصوصی‌سازی درک کرد. نظیر همین مساله در مورد حوزه‌ی خدمات بهداشت و سلامت، در خصوص پرستاران صادق است (که اعتراضات متاخر آن‌ها نیز تاییدی بر همین واقعیت است).

از این رو، حتی بر مبنای درک کلاسیک از طبقه‌ی کارگر، باید گفت معلمان «کارگران» خدمات آموزشی هستند که ضرورت‌های پروسه‌ی بازتولید نیروی کار و بازتولید اجتماعی را برآورده می‌سازند. بر همین مبنا، رشد و گسترش اعتراضات معلمان خود نشانه‌ای است از پیشروی تهاجمی مناسبات سرمایه‌دارانه در ایران. از این رو، اعتراضات معلمان تنها از طریق پیوندیابی هرچه بیشتر با اعتراضات سایر کارگران می‌تواند به مبارزاتی مؤثر بدل شود، تا در تداوم آن‌ها زمینه‌ی تحقق مطالبات طبقه‌ی کارگر فراهم گردد.

از سوی دیگر، کالایی‌سازی آموزش منجر به این می‌شود که دسترسی به خدمات آموزشی مناسب نیز همچون هر کالای دیگری با اس‌تطاعت مالی مصرف‌کنندگان آن، یعنی دانش‌آموزان و دانش‌جویان، رابطه‌ای مستقیم داشته و منجر به شدیدترین اشکال نابرابری در این حوزه‌ی خدماتی گردد و به طور کلی نیز کیفیت آموزش راجه شدت پایین آورد. پس، حال که آماج خشونت کالایی‌سازی خدمات دانش‌آموزان و دانشجویان را نشانه می‌رود، آن‌ها نیز در همان قایق شکسته‌ای نشسته‌اند که کارگران حوزه‌ی آموزش و حوزه‌ی بهداشت و درمان و حوزه‌ی صنعت و غیره.

در فراخوان شورای مرکزی تشکل‌های صنفی فرهنگیان تاریخ تجمع اعتراضی سراسری بعدی، روز ۱۷ اردیبهشت عنوان شده است. سه روز مانده به این تجمع، تعدادی از دانشجویان و دانش‌آموزان، اقدام به پخش و نصب تراکت‌هایی در اطراف دانشگاه‌ها و مدارس تهران نموده‌اند که شعار «معلم کارگر اعتصاب اعتصاب!» و عکس صمد بهرنگی روی آن‌ها چاپ شده است. این اقدام حتی اگر در سطحی گسترده هم انجام نگرفته باشد، حامل ایده‌ای است که به نحوی نمادین بالقوگی‌های مبارزاتی معلمان و نیز ضرورت پیوندیابی اعتراضات پراکنده‌ی کارگران در حوزه‌های مختلف را یادآور می‌شود و در عین حال شیوه‌ای عملی و مبتکرانه از همبستگی دانش‌آموزان و دانشجویان با این مبارزات را معرفی می‌کند.

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴